

فرهنگ سیاسی دانشجویان و مشارکت پلیس محور

(مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه پیام نور سنندج)

سالار مرادی^۱، یعقوب احمدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۸

چکیده:

زمینه و هدف: فرهنگ سیاسی، توزیع خاصی از ایستارها، ارزش‌ها، احساس‌ها، اطلاعات و طرز تلقی‌ها نسبت به نظام و ساختار سیاسی تعریف شده است. پژوهش درباره فرهنگ سیاسی علاوه بر آنکه کلید فهم و تبیین ساخت سیاسی و دیگر ساختارها را به دست می‌دهد از این جهت نیز مفید است که امکان مطالعه دقیق‌تر رفتارهای سایر بازیگران سیاسی را نیز فراهم می‌آورد. هدف این مقاله ارزیابی جهت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور مرکز سنندج، و ارتباط آن با وضعیت مشارکت در امور و موضوعات پلیسی است.

روش‌شناسی: روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از تکنیک پیمایش است. جامعه آماری مورد بررسی کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز سنندج و حجم نمونه معرف ۳۱۰ نفر از دانشجویان یادشده مبتنی بر نمونه‌گیری تصادفی ساده است.

نتایج و یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی غالب دانشجویان پیام نور مرکز سنندج از نوع تبعی بوده و متغیرهایی مانند جهت‌گیری مذهبی، پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی و رشته تحصیلی اثر معناداری بر وضعیت فرهنگ سیاسی دانشجویان داشته است. یافته‌ها همچنین حاکی از اثر علی (۲۸/۳) متغیر نوع فرهنگ سیاسی دانشجویان بر وضعیت و انگیزه مشارکت در امور و موضوعات پلیسی بوده است.

کلیدواژه‌ها

فرهنگ سیاسی، دانشجویان، جهت‌گیری، مشارکت، پلیس.

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور. رایانامه: salarmoradi@pnu.ac.ir

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، رایانامه: yahmady2001@yahoo.com

مقدمه

جوامع انسانی نیازمند ساخت‌مند کردن حوزه‌های شناختی خود در زمینه‌های متفاوت هستند از جمله مهمترین این حوزه‌ها، حوزه علوم سیاسی و یا بطور اعم سیاست است. زندگی جمعی و به‌ویژه حوزه سیاسی مستلزم پیروی از الگوها و چارچوب‌های خاصی است که بخش عمده‌ای از آن در فرهنگ و فرهنگ سیاسی خلاصه می‌شود. به عبارتی، وجه تمایز جوامع مختلف در ارزش‌ها و نگرش‌های پایدار آنان نهفته است. در چند دهه اخیر تغییرات اقتصادی، فناوری، اجتماعی^۱ سیاسی و آموزشی، فرهنگ جوامع جدید را از جنبه‌های بسیار مهم دگرگون کرده است. انگیزه‌های مردم برای کار، اعتقادات مذهبی، نگرش به جنسیت، تساهل و مدارا، ایستارها و جهت‌گیری‌ها نسبت به نظام سیاسی و کنش سیاسی و...، مقوله‌ای به نام فرهنگ سیاسی پدید می‌آورد. فرهنگ سیاسی یکی از شاخص‌های اساسی توسعه جوامع در دوران جدید است که با دیگر ابعاد توسعه در رابطه است. به گونه‌ای که به‌عنوان عاملی در تبیین وضعیت توسعه‌یافتگی جوامع مختلف در نظر گرفته می‌شود. بنابراین بسیاری از تحلیلگران، سهم قابل توجهی برای «فرهنگ سیاسی» به‌عنوان زاده انکارناپذیر فرهنگ عمومی قایل شده‌اند. در بستر فرهنگ است که سیاست رخ می‌دهد، هویت‌ها به هم گره می‌خورند و زمینه تفسیر کنش‌ها و انگیزه‌ها فراهم می‌شود.

در پژوهش‌های جامعه‌شناختی دهه‌های اخیر توجه روزافزونی به عنصر فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی در زندگی جمعی افراد شده است. این پژوهش‌ها، فرهنگ را به‌عنوان عنصری خنثی و منفعل در نظر نمی‌گیرند بلکه بر این هستند که فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی در تعامل و کنش متقابل با دیگر عناصر مهم زندگی اجتماعی هستند و روی هم رفته زندگی جمعی را در دوره‌ای خاص و در مکان مشخص تعیین و مقدر می‌سازند. بر این اساس، از آنجا که زمینه‌های فکری مردم بر آنچه انجام می‌دهند اثر می‌گذارد، مطالعه فرهنگ سیاسی یک ملت، حائز اهمیتی خاص است. رفتار شهروندان بطور مستقیم متأثر است از نگرش‌ها، باورها و عواطف آنها نسبت به سیاست و قدرت سیاسی و از طریق فرایند جامعه‌پذیری، قابلیت تغییر و تبدیل دارد. پژوهش‌هایی از جمله پژوهش حاضر تلاش می‌کنند شناخت شهروندان و

برنامه‌ریزان را نسبت به این حوزه عمیق‌تر کنند و داده‌های قابل اتکا در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آینده به دست آورند. هر چند در مورد وضعیت فرهنگ سیاسی در جامعه ایران در دوره‌های گذشته (به‌ویژه در دوره باستان) اطلاعات دقیقی در دست نیست اما اسناد و شواهد تاریخی بر جای مانده حاکی از وجود نوعی فرهنگ سیاسی است که نشان از رواج نوعی روحیه جامعه‌گرایی، بی‌تفاوتی نسبت به حقوق اجتماعی، قانون و مسئولیت اجتماعی از یک سو و روحیه قبیله‌گرایی و اسطوره‌سازی از سوی دیگر و برابری برده‌وار همگانی از سوی ساختار استبدادی پادشاهی حاکم بود. در دوره اسلامی تا دوره قاجاریه نیز سنت‌های سیاسی مزبور با اندکی تغییر تداوم یافت. در دوره مشروطه نیز چون فرهنگ سیاسی جدید که در ظاهر مشارکتی نیز بود مقبولیت عام نیافت و در میان توده‌های مردم رسوخ نیافت و حتی در میان گروه‌های روشنفکر و نخبگان سیاسی نیز تنها لایه‌های نازکی را تحت تأثیر قرار داد، نوعی فرهنگ سیاسی که مبتنی بر آمریت و تابعیت بود، تداوم یافت (علم، ۱۳۸۷: ۱۲۳-۲۵۹). همچنین، از آنجا که فرهنگ سیاسی دربرگیرنده مجموعه دانش‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها نسبت به سیاست و قدرت است انتظار می‌رود که تغییر این نگرش‌ها در جهتی خاص به تغییر نگرش‌ها در حوزه مشارکت در فعالیت‌های نیروهای نظامی و انتظامی بیانجامد. از این منظر باید عنوان کرد که رشد چشمگیر دانش و فناوری‌های نوین، همراه با تغییرات بنیادین نظام بین‌الملل در نیم قرن گذشته، چهره جهان معاصر را به کلی متفاوت از گذشته ساخته است. همراه شدن این تغییرات با تحولات فرهنگی^۱ و اجتماعی، جوامع بشری را به نسبت‌های متفاوت با چالش‌های اساسی در حوزه‌های مختلف روبرو کرده و زمینه‌ساز بروز بحران معرفتی در تبیین شرایط زندگی و سازگاری انسان‌ها با آن شده است. در چنین وضعیتی گرایش به انجام فعالیت‌های مردم‌محور و مشارکتی از اولویت بسیاری برخوردار شده است. در همین راستا، محققان بر این باورند که عصر برنامه‌ریزی مرکز‌محور پایان یافته است و برنامه‌ریزی‌ها باید مشارکت‌محور باشد و بر این اساس، عنوان می‌دارند که جامعه مطلوب جامعه‌ای است که مبتنی بر شهروندمحوری، داناایی محوری و شهروند مسئولیت‌پذیر باشد. از این رو در مطالعه

حاضر در پی گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی، دست به انتخاب دانشجویان (به‌عنوان نخبگان فکری - نه الزاماً سیاسی - جامعه) زده تا با رویکردی نخبه‌گرایانه به بررسی موضوع فرهنگ سیاسی و نیز میزان و چگونگی تاثیر متعین‌های مختلف بر فرهنگ سیاسی دانشجویان پرداخته و در واقع به دنبال روشن ساختن این مسئله است که، دانشجویان، به‌عنوان پیشگامان و تا حدودی عواملان تغییرات سیاسی^۱ اجتماعی سال‌های قبل از دهه ۶۰، امروزه تاچه حد ظرفیت پذیرش ارزش‌های دموکراتیک را دارند؟ و به عبارتی باورها و ارزش‌های سیاسی آن‌ها به کدام جهت تمایل دارد؟ و نیز این موضوع که، نوع فرهنگ سیاسی دانشجویان، چه تأثیری بر رویکرد آن‌ها نسبت به همکاری در فعالیت‌های انتظامی و پلیس‌محور دارد؟

مبانی نظری

مرور پیشینه: پژوهش *آلموند و وربا*^۱ (۱۹۶۵) در کتاب «فرهنگ مدنی» یکی از مهم‌ترین کارهایی است که در حوزه فرهنگ سیاسی به انجام رسیده است. آن‌ها با استفاده از روش کمی و یک نمونه ۵۰۰۰ نفری در چارچوب سیاست تطبیقی فرهنگ سیاسی، ۵ کشور آمریکا، انگلستان، آلمان، ایتالیا و مکزیک را مطالعه و براساس جهت‌گیری افراد به نظام سیاسی، فرهنگ سیاسی این کشورها را طبقه‌بندی کردند. آن‌ها نشان داده‌اند که مردم انگلستان از همه بیشتر شاخص‌های فرهنگ سیاسی مشارکتی را دارند. *پل زیگموند*^۲ در آمریکای لاتین به بررسی فرهنگ سیاسی و تأثیر مسیحیت بر آن می‌پردازد. وی در پژوهش خود، «دموکراسی مسیحی، آزادسازی دینی و فرهنگ سیاسی در آمریکای لاتین» بیان می‌کند که مذهب یک منبع مهم جهت‌گیری‌های ارزشی است و تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر فرهنگ سیاسی و دموکراسی دارد (زیگموند به نقل از جهانگیری و بوستانی، ۱۳۸۰: ۱۷۳-۱۹۱). *تسلر*^۳ و *آلتینگلو*^۴ در پژوهشی پیمایشی، فرهنگ سیاسی در کشور ترکیه را بررسی و جهت‌گیری‌های شهروندان به دموکراسی، نظامی‌گرایی و اسلام را مورد سنجش قرار داده‌اند. آن‌ها رابطه بین پایگاه شخصی

1- G.Almond. S.Verba

2- Paul Sigmund

3- Tessler

4- Altinoglu

و جهت گیری های مذهبی با دموکراسی (در ابعاد احترام قائل شدن برای رقابت و تساهل) را بررسی کرده اند. یافته ها نشان داد که جهت گیری های سیاسی شهروندان ترکیه متأثر از جنسیت، سن، پایگاه اجتماعی و منفعت شخصی است (تسلر و آلتینگلو، ۱۹۹۷: ۲۲-۵۱). دیاموند^۱ در کتابی با عنوان «دموکراسی در حال توسعه: به سوی تحکیم» خاطرنشان می کند که دموکراسی باید به عنوان پدیده ای تکاملی ملاحظه شود، زیرا نه در این زمان و نه در هیچ دوره دیگری دموکراسی در جهان مدرن دولت-ملت ها به مثابه دموکراسی که در آن همه شهروندان تقریباً منافع سیاسی یکسانی دارند و حاکمیت به طور کامل یا تقریباً کامل نماینده تمام شهروندان باشد، کامل نبوده است. به زعم وی، توسعه اقتصادی به میانجی تغییرات مؤثر در ساختار اجتماعی و فرهنگ سیاسی در تحقق دموکراسی مؤثر است (دیاموند، ۱۹۹۹ به نقل از احمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴-۳۲). احمدی (۱۳۹۰) در مطالعه «رویکردهای قومی و گونه شناسی فرهنگی» با تاکید بر گونه شناسی اینگلههارت و ولزل^۲، به بررسی فرهنگ سیاسی افراد ۱۸ تا ۵۰ سال سنندج می پردازد. بر مبنای یافته های پژوهش، نوعی فرهنگ سیاسی مستعد دموکراسی در سنندج وجود دارد. همچنین، نوعی رابطه مثبت بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و نوع فرهنگ سیاسی شهروندان سنندجی وجود دارد. خانیکی و سرشار (۱۳۹۱) در پژوهش پیمایشی به بررسی فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه کردستان پرداخته است. بر مبنای نتایج پژوهش، دانشجویان به عنوان بازیگر سیاسی، احساس افتخار و غرور پایینی دارند و ارزیابی و قضاوت منفی از عرصه سیاسی جامعه خود دارند. همچنین با بالا رفتن مقطع تحصیلی و افزایش تجربه زیسته دانشجویان، الگوی فرهنگ سیاسی آنان به سوی الگوی مشارکتی سیر می کند و جامعه پذیری سیاسی دموکراتیک در خانواده، مدرسه و گروه همسالان، فرهنگ سیاسی مشارکتی را تقویت می کند. بهمنی طراز و دلاوری (۱۳۹۳)، در پژوهش پیمایشی «طبقه متوسط جدید و فرهنگ مردم سالاری در ایران: بررسی موردی شهر همدان» بر مبنای نظریات تسلر، میزان گرایش مردم سالارانه در میان اساتید دانشگاه و معلمان دوره متوسطه شهر همدان را مورد بررسی قرار داده اند. بر مبنای نتایج پژوهش، گرایش به ابعاد هنجاری مردم سالاری در

1- Diamond

2 R. Inglehart. C. Welzel

میان این دو قشر در مجموع کمی بیش از حد متوسط، در حدود ۶۰ درصد و گرایش به ابعاد رفتاری بسیار کم و در حدود ۲۲ درصد است. به این ترتیب فقط حدود ۳۹ درصد از این دو گروه به مجموع ارزش‌های مردم‌سالارانه (اعم از هنجاری و رفتاری) گرایش دارند.

توسعه سیاسی در رساله دکتری *دال سیونگ یو*^۱ با عنوان «پایداری فرهنگ سیاسی سنتی در برابر توسعه سیاسی در کره و ایران»، به مفهوم برقراری دموکراسی به شیوه غربی است. بنا بر این پژوهش، بعضی از مشخصات پایدار فرهنگ سیاسی سنتی برای شناخت فرایندهای سیاسی کنونی اهمیت اساسی دارد. شناخت رابطه قدرت و ارتباط با رفتار رهبران سیاسی و رویکردهای مردم از جمله مسائل مهم توسعه سیاسی است. وی اظهار می‌دارد؛ هر جامعه‌ای دارای فرهنگ سیاسی معینی است که به فرایندهای سیاسی معنا و جهت می‌دهد. رفتار سیاسی در هر جامعه، از یک سلسله ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و هنجارهایی که فرهنگ سیاسی را می‌سازند، متأثر است و همین باورها، نگرش‌ها و ارزش‌ها توسط فرد درونی و در رفتار او خلاصه می‌شود. به اعتقاد *دال سیونگ یو* فرهنگ سیاسی جامعه، بخشی از فرهنگ عمومی است و برخی از رویکردها و گرایش‌های فرهنگ عمومی، شالوده فرهنگ سیاسی و نگرش به مسائل را می‌سازند. *ماروین زونیس*^۲ در کتاب «روانشناسی نخبگان سیاسی ایران» چند ویژگی برای نخبگان سیاسی ایران برمی‌شمرد که این ویژگی‌ها به نوع ساختار سیاسی و دستگاه حکومتی محمدرضا شاه در ارتباط است. در واقع ساخت قدرت مطلقه شاه، چنین ویژگی‌ها و رفتارهایی را در مردم و نخبگان سیاسی ایجاد کرده است. به‌عنوان مثال یکی از ویژگی‌ها بی‌اعتمادی است. *زونیس* نبود امکان تحرک اجتماعی را با این احساس بدبینی و بی‌اعتمادی در ارتباط می‌داند. در کل *ماروین زونیس* می‌خواهد بگوید، اگر ما شاهد فرهنگ سیاسی تملق، چاپلوسی، دروغ، چند شخصیتی در بین ایرانیان هستیم، این برمی‌گردد به نظام پهلوی که از مردم می‌خواهد که شخص شاه، افکار، تمایلات، سیاست‌ها و منافع او را تابع همه امور قرار دهیم، در نتیجه این است که ما شاهد افکار و ذهنیت بی‌اعتمادی و ضدیت با نظام حکومتی هستیم (*زونیس*، ۱۳۷۸). همچنین، *کرامتی* و *ملنتف* پژوهشی را با موضوع مشارکت

1 - D. Seung Yu

2 - Marvin Zonis

مردم در انجام وظایف نیروی انتظامی انجام داده‌اند که ابتدا به تبیین مشارکت در همه ابعاد جامعه پرداخته و بر اثر آن در انجام امور نیروی انتظامی تاکید کردند. متغیرهای مورد بررسی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت، نظارت و حضور پلیس، طرز رفتار، دقت عمل و میزان مشارکت مردم با نیروی انتظامی است (کرامتی و ملتفت، ۱۳۸۶). منظمی‌تبار در پژوهشی با عنوان «نقش مشارکت‌های مردمی در تقویت امنیت اجتماعی» به بررسی شیوه‌های تامین امنیت در جهان سوم پرداخته است و روش تامین امنیت در اغلب این کشورها را استفاده از شیوه قهرآمیز بیان می‌کند که به همین دلیل امنیت از این نوع را ناپایدار و کم‌دوام می‌داند. وی بر این باور است که کشورهای پیشرفته به دلیل اینکه مشارکت‌های مردمی را در بین شهروندان خود نهادینه کرده‌اند، امنیت در این کشورها با توجه به مشارکت‌های مردمی پایدار است (منظمی‌تبار، ۱۳۸۵).

مبانی نظری: نخستین تأمل در فرهنگ سیاسی را فیلسوفان یونانی انجام داده‌اند، یونانی‌ها ویژگی‌های ذهنی متفاوتی برای آتنی‌ها، اسپارتنی‌ها و بربرها قائل بودند. سقراط از تفاوت‌های فرهنگی و بازتاب این تفاوت‌ها در فرهنگ‌ها و نظام‌های سیاسی جوامع مختلف آگاه بود و زمینه تفاوت‌های ماهوی میان دنیای یونان و غیر یونان را در ذهنیت متفاوت مردمان متعلق بر این دو دنیای متفاوت جستجو می‌کرد (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۸). در دوران مدرن، اولگین بار منتسکیو بود که در مورد فرهنگ سیاسی سخن گفت. روح القوانین در عین حال که متنی فلسفی است، نوعی تحلیل فرهنگ سیاسی نیز به شمار می‌آید. به زعم منتسکیو، فرهنگ بر حکومت و دین تأثیر دارد و خصلت‌های فرهنگی مقدم بر نهادهای حقوقی است. فرهنگ سیاسی تابعی از محیط است و نظام سیاسی نیز تابعی از فرهنگ سیاسی یا به اصطلاح خوی و خصلت ملی است (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۳۳). دوتوکویل در شرح جامعه آمریکا در پی آن بود تا چرایی تفاوت آمریکا و اروپا را درک کند. به نظر او آمریکا آداب و سنن دموکراتیک ویژه‌ای برای خود دارد و همین مسئله می‌تواند عامل ایجادکننده تفاوت میان اروپا و آمریکا باشد. این سنت‌ها همان نگرش و اعتقادات شهروندان نسبت به نظام سیاسی و یا به عبارتی فرهنگ سیاسی است. اشکال گوناگون دولت با شرایط گوناگون اجتماعی رابطه دارد و

ویژگی‌های فرهنگی جوامع بر سرشت سیاسی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۲۰). پیشینه تحلیل و تبیین فرهنگی سیاست در قرن بیستم، دهه ۳۰ میلادی است که با شکل‌گیری خصیصه ملی همزمان بود. از سوی دیگر ریشه رستاخیز فرهنگ سیاسی پژوهشی، دهه ۸۰ میلادی است، زیرا تحولاتی مانند ظهور جنبش‌های دموکراسی خواهی، رستاخیز ناسیونالیسم و جنبش‌های هویت‌محور، برخی جنبش‌های راست‌گرایی و محافظه‌کاری سیاسی و فروپاشی نظام‌های کمونیستی، هر کدام به نوعی بستر ساز و زمینه‌ساز احیای فرهنگ سیاسی بوده‌اند (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۱۳۱-۱۵۱).

آلموند و وربا بعد از جنگ جهانی دوم به طور وسیع و عمیق به مطالعه فرهنگ سیاسی در کشورهای اروپایی پرداختند. به نظر آن‌ها فرهنگ سیاسی شامل مجموعه‌ای از باورهای سیاسی، ارزش‌های سیاسی، احساسات سیاسی و دانش سیاسی نسبت به چهار بُعد از زندگی سیاسی است که عبارت‌اند از: نظام سیاسی به‌عنوان یک کل، جنبه‌های ورودی یا فرایند، جنبه‌های خروجی یا سیاست‌گذاری و خود به‌عنوان یک موضوع (آلموند و وربا، ۱۹۶۳). آن‌ها، بر اساس نوع نگرش و جهت‌گیری به سیاست و مشارکت شهروندان یک جامعه در نظام سیاسی، فرهنگ سیاسی را به سه نوع تقسیم کردند: فرهنگ سیاسی محدود (افراد نه از عملیات و یا خط‌مشی‌های نظام سیاسی آگاه و نه خود را به‌عنوان عضوی از یک ملت می‌شناسند. افراد دستخوش انجماد فکری بوده و از نظام سیاسی هیچ انتظاری ندارند)، فرهنگ سیاسی تبعی (افراد از نتایج کار حکومت آگاه هستند، ولی در فرایندهایی که به سیاست‌گذاری منجر می‌شود شرکت نمی‌کنند. افراد برای مشارکت خود در نظام و امور سیاسی، جایگاه روشنی‌فائل نیستند و یا نسبت به آن بی‌تفاوت‌اند (چیلکوت، ۱۳۷۷: ۳۴۶)، فرهنگ سیاسی مشارکتی (افراد در فرایندهای سیاسی مشارکت بالفعل و بالقوه دارند، از مسائل سیاسی آگاه و می‌توانند تقاضاهای سیاسی را مطرح سازند و حمایت‌های سیاسی خود را در اختیار رهبران سیاسی قرار دهند و عملاً نیز چنین می‌کنند. این افراد در مبارزه‌های انتخاباتی و امور حزبی به‌صورت فعال وارد می‌شوند (چیلکوت، ۱۳۷۷: ۳۵۵). پاتنام، در کتاب «دموکراسی و سنت‌های مدنی»، این پرسش را مطرح می‌کند که چرا با وجود حاکم بودن ساختار قانونی مشابه بر مناطق شمال و

جنوب ایتالیا، مناطق شمالی پیشرفته و از حاکمان پاسخگوتری برخوردارند. پاتنام، موفقیت مناطق شمالی نسبت به جنوب این کشور را به وجود سنت‌های مدنی نسبت می‌دهد که موجب مشارکت شهروندان در مسائل عمومی، پیروی از قوانین و نیز ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سیاسی افقی شده است (پاتنام، ۱۳۷۹: ۵۸). اگر وربا هویت ملی و آلموند جامعه‌پذیری سیاسی را عامل شکل‌دهنده فرهنگ سیاسی می‌داند، پاتنام، سنت‌های مدنی و زمینه اجتماعی را در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مؤثر می‌داند.

اینگلههارت و ولزل^۱ در کتاب «نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی»، به مدت سه دهه به مطالعه پیرامون منشا، روند تحول و پیامدهای ارزش‌های انسانی پرداخته‌اند. آن‌ها بر آنند که در شرایط مساوی، سطوح بالای توسعه اقتصادی موجب می‌شود افراد دارای تساهل بیشتر و به دیگران اعتماد بیش‌تری داشته باشند؛ افرادی که بر ابراز وجود و مشارکت در تصمیم‌گیری تأکید بیشتری خواهند داشت (اینگلههارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۴). اینگلههارت دو نوع فرهنگ یا نظام ارزشی مادی‌گرا و فرامادی‌گرا را از هم متمایز می‌کند. در فرهنگ مادی‌گرا بر مؤلفه‌های مبارزه با تورم، گسترش رشد اقتصادی، حفظ ثبات اقتصادی، حفظ نظم، مبارزه با افزایش جرم و جنایت و حفظ و تقویت نیروهای نظامی و در فرهنگ فرامادی‌گرا بر شاخص‌های نقد بیشتر حکومت، آزادی بیان، سخن بیشتر در مورد مکان کار، زیبایی شهرها و محیط زندگی، تأکید بر رشد ویژگی‌های انسانی و جامعه انسانی تأکید می‌شود. موضوع اصلی اینگلههارت و ولزل در رابطه با فرهنگ سیاسی «ارزش‌های ابراز وجود» یا «ارزش‌های رهاينده» است. ارزش‌های ابراز وجود یا رهاينده مستعد فرهنگ سیاسی دموکراتیک است (اینگلههارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۲۵۰-۲۸۵).

دانیل الازار^۲، در «کتاب فدرالیسم آمریکا: نمایی از ایالت‌ها»، به بررسی فرهنگ سیاسی در ایالت‌های مختلف آمریکا پرداخته است. از دید الازار، فرهنگ سیاسی الگوی ویژه‌ای از جهت‌گیری به کنش سیاسی است که در هر نظام سیاسی نهادینه شده است (الازار، ۱۹۶۶: ۷۸). الازار، جهت‌گیری افراد به نظام سیاسی، چگونگی عملکرد دولت و مقامات حکومتی و

1- Inglehart and Welzel

2- Elazar

ارزش‌های مذهبی و قومی را در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مؤثر می‌داند. در گونه‌شناسی *الازار*، فرهنگ سیاسی به سه دسته اصلی اخلاق‌گرایی، فردگرایی و سنت‌گرایی تقسیم می‌شود (زوتلیک^۱، ۲۰۰۰). یکی از رویکردهای نوین و متأخر در حوزه فرهنگ سیاسی، گونه‌شناسی *مارک تسلا* است. تسلا، فرهنگ سیاسی را شامل جنبه‌های شناختی و رفتاری شهروندان و مردمان عادی می‌داند. به نوشته او جنبه شناختی فرهنگ سیاسی، شامل دو متغیر «اعتقاد به برابری جنسیتی» و «مدارای سیاسی» است. جنبه رفتاری فرهنگ سیاسی نیز شامل متغیرهای «اعتماد سیاسی»، «مشارکت مدنی»، «علاقه سیاسی» و «دانش سیاسی» است. او متغیرهای شناختی را با عنوان «تکثرگرایی سیاسی» و متغیرهای رفتاری را با عنوان «درگیری عملی در سیاست» مقوله‌بندی می‌کند (تسلا، ۲۰۱۱: ۲۷۰).

تسلا، با لحاظ نمودن معیارهای شناختی و رفتاری شهروندان عادی و با توجه به عناصر مدارای سیاسی، حمایت از برابری جنسیتی، علاقه سیاسی، دانش سیاسی، مشارکت مدنی و اعتماد بین فردی، فرهنگ سیاسی در جوامع اسلامی را به چهار نوع تقسیم می‌کند: ۱- فرهنگ سیاسی دموکراتیک^۲: در این نوع از فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع را تحمل می‌کنند، از برابری جنسیتی حمایت و نسبت به سیاست علاقه و شناخت دارند، در زندگی مدنی و جمعی مشارکت کرده و به شهروندان اعتماد دارند. ۲- فرهنگ سیاسی بی‌تفاوت^۳: در این نوع از فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع را تحمل و از برابری جنسیتی حمایت می‌کنند، اما نسبت به سیاست علاقه و شناخت ندارند، در زندگی مدنی و جمعی مشارکت نمی‌کنند و به شهروندان اعتماد ندارند. این افراد به امور سیاسی یا رفتار دیگران اهمیتی نمی‌دهند. ۳- فرهنگ سیاسی عمل‌گرا^۴: در این نوع از فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع را تحمل نمی‌کنند و از برابری جنسیتی حمایت نمی‌کنند، اما نسبت به سیاست علاقه‌مند و از دانش کافی نسبت به سیاست برخوردارند و در زندگی مدنی و جمعی مشارکت کرده و به شهروندان اعتماد دارند، این افراد خود را با زندگی سیاسی و اجتماعی وفق می‌دهند، اما با

1 - Zeolik

2- Democratic Political Culture

3- Indifferent Political Culture

4- Activist Political Culture

افکار جایگزین، مزیت‌ها و سبک زندگی آنان میانه خوبی ندارند. ۴- فرهنگ سیاسی محدود^۱: در این نوع از فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع و مخالف را تحمل نمی‌کنند، از برابری جنسیتی حمایت نمی‌کنند، شناخت و علاقه‌ای نسبت به سیاست ندارند، در زندگی مدنی و جمعی مشارکت نمی‌کنند و به شهروندان اعتماد ندارند (تسلر و الارنو، ۲۰۰۹: ۱۹۷-۲۰۷). همچنین، اینگلهارت مشارکت را با سه عامل ارتقاء سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت و تغییر در اولویت‌های ارزشی که تاکید کمتر بر نیازهای آنی طبیعی داشته و بر حق ابراز نظر تاکید بیشتری می‌ورزند، مورد تبیین قرار داده است. متغیرهای تحصیلات رسمی، موقعیت اجتماعی^۲ اقتصادی، سطح مهارت و اطلاعات، مهارت‌های ارتباطی، تجربه‌های شغلی، شبکه‌های سازمانی، تقلیل تفاوت‌های جنسی در وظایف اجتماعی و سیاسی بر افزایش مشارکت تاثیر گذاشته‌اند (اینگلهارت، ۱۳۷۴: ۳۷۸). هانتینگتون معتقد است فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی از دو طریق می‌تواند به گسترش مشارکت اجتماعی و سیاسی بیانجامد. یک طریق آن از مجرای تحریک اجتماعی است. بدین صورت که کسب منزلت‌های اجتماعی بالاتر، به نوبه خود در فرد احساس توانمندی و نگرش‌های معطوف به توانایی تاثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های اجتماعی و عمومی را ایجاد می‌کند و این عامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی یا امور سیاسی باشد. از میان متغیرهای منزلتی، سطح تحصیلات فرد بیشترین تاثیر را بر مشارکت اجتماعی و سیاسی دارد. طریق دوم تاثیر توسعه اقتصادی و اجتماعی بر امر مشارکت، مجرای سازمانی، یعنی عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی است که احتمال مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را افزایش می‌دهد (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۵۶).

فرضیه‌های پژوهش

- بین فرهنگ سیاسی محدود و مشارکت مردم در امور پلیسی ارتباط وجود دارد.
- بین فرهنگ سیاسی تبعی و مشارکت مردم در امور پلیسی ارتباط وجود دارد.

- بین فرهنگ سیاسی مدنی و مشارکت مردم در امور پلیسی ارتباط وجود دارد.
- بین جهت‌گیری‌های فردی (قومی، مذهبی) و فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز سنندج رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و مبتنی بر فن پیمایش است. جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه محقق ساخته صورت گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه دانشجویان پیام نور مرکز سنندج بوده است که تعداد ۳۱۰ نفر از جامعه آماری بر اساس فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر طیف لیکرت طراحی شده و براساس روایی و پایایی مناسب در میان پاسخگویان توزیع شد.

جدول شماره ۱: میزان آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
مشارکت	۱۴	۰/۸۴۵
پلیس جامعه‌محور	۶	۰/۸۳۰
فرهنگ سیاسی	۱۵	۰/۸۷۷
جهت‌گیری‌های فردی (قومی و مذهبی)	۲۰	۰/۸۶۱

یافته‌های پژوهش

توصیف آماری متغیرهای مستقل و وابسته: در این مطالعه، بیشترین فراوانی را مردان (۵۴/۰ درصد) و کمترین فراوانی را زنان (۴۶/۰ درصد) به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین فراوانی را افراد سنین ۲۹-۲۴ سال (۵۶/۸ درصد) و کمترین فراوانی به افراد سنین ۳۵ سال به بالا (۳/۸ درصد) به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین فراوانی را مجردین (۶۵/۳ درصد) و کمترین فراوانی را متأهلین (۳۴/۸ درصد) به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین فراوانی افراد مشغول به تحصیل در رشته کشاورزی (۴۰/۸ درصد) و کمترین فراوانی افراد مشغول به تحصیل در رشته علوم تربیتی (۱/۵ درصد) به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به نتایج بدست آمده از پرسش **آیا در شکل‌های دانشجویی دانشگاه عضویت دارید؟**، بیشترین فراوانی

مربوط به گزینه خیر (۵۰/۳ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به گزینه بله (۴۹/۸ درصد) است.

همچنین، توزیع درصدی و آماره‌های گرایش‌های مرکزی متغیرهای مستقل افراد نمونه نشان می‌دهد که جهت‌گیری مذهبی ۲۰/۱ درصد پایین، ۴۹/۷ درصد متوسط و ۳۰/۲ درصد بالا بوده است و میانگین آن ۶۴/۱ بوده که بالاتر از حد متوسط است. به لحاظ جهت‌گیری قومی، در ۱۶/۶ درصد افراد نمونه جهت‌گیری قومی پایین، در ۴۶/۶ درصد متوسط و ۳۶/۸ درصد جهت‌گیری قومی بالایی داشته‌اند. میانگین جهت‌گیری قومی افراد نمونه (۶۴/۴۷) بالاتر از حد متوسط ارزیابی می‌شود. همچنین، توزیع درصدی و آماره‌های گرایش‌های مرکزی متغیرهای مستقل افراد نمونه نشان می‌دهد که ارتباطات خانوادگی ۳۷/۵ درصد بالا، ۳۸/۱ درصد متوسط و ۲۴/۴ درصد پایین بوده است و میانگین آن ۲۱/۰۱ درصد بوده که بالاتر از حد متوسط است. نتایج نشان می‌دهد که ۲۵/۲ درصد از پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا برخوردار بوده، ۵۲/۲ درصد خود را در پایگاه متوسط و ۱۷/۶ درصد خود را در پایگاه پایین ارزیابی کرده‌اند. میانگین بدست آمده برای این متغیر نیز برابر با ۱۶/۱۰ و بالاتر از حد متوسط است. در نهایت میزان مشارکت در امور پلیس در حد متوسط قرار داشته است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی و درصد متغیرهای مستقل پاسخ‌گویان

انحراف معیار	میانگین	درصد خالص	فراوانی	گزینه‌ها	ابعاد متغیر
۷/۴۲۳	۶۴/۱	۲۰/۱	۵۳	پایین	جهت‌گیری مذهبی
		۴۹/۷	۱۵۹	متوسط	
		۳۰/۲	۱۰۲	بالا	
		۱۰۰	۳۱۰	جمع	
۵/۴۲	۶۴/۴۷	۱۶/۶	۵۷	پایین	جهت‌گیری قومی
		۴۶/۶	۱۴۲	متوسط	
		۳۶/۸	۱۱۱	بالا	
		۱۰۰	۳۱۰	جمع	
۳/۲۷	۱۶/۱۰	۲۵/۲	۷۹	بالا	پایگاه اجتماعی-اقتصادی
		۵۲/۲	۱۶۳	متوسط	
		۱۷/۶	۶۸	پایین	
		۱۱/۹	۳۷	بالا	
۶/۴۳	۶۳/۲	۱۱/۹	۳۷	بالا	مشارکت در امور پلیس
		۶۳/۸	۱۹۸	متوسط	
		۲۴/۱	۷۵	پایین	
		۱۱/۹	۳۷	بالا	

یافته‌ها

طبق نتایج به دست آمده از آزمون پیرسون، وجود رابطه بین جهت‌گیری‌های قومی و فرهنگ سیاسی تایید می‌شود. رابطه تایید شده مستقیم (مثبت) و در حد متوسط به اندازه ۰/۳۴۱ درصد است. وجود رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگ سیاسی نیز تایید می‌شود. همچنین وجود رابطه بین جهت‌گیری مذهبی دانشجویان و فرهنگ سیاسی آنها تایید می‌شود. رابطه تایید شده، رابطه‌ای معکوس (منفی) و ضعیف به اندازه ۰/۱۱۷- است. بدین معنی که با بالا رفتن سطح دینداری، میزان فرهنگ سیاسی نیز به همان نسبت ضعیف کاهش می‌یابد. وجود رابطه بین ارتباطات خانوادگی و فرهنگ سیاسی تایید می‌شود. رابطه تایید شده، رابطه‌ای مستقیم (مثبت) و ضعیف به اندازه ۰/۲۳۵ است.

جدول شماره ۳: رابطه بین فرهنگ سیاسی و متعین‌های اجتماعی فرهنگی

فرهنگ سیاسی			متغیر
تعداد	معناداری	شدت	
۳۱۰	۰/۰۰۰	-۰/۱۷۷	جهت‌گیری مذهبی
۳۱۰	۰/۰۰۱	۰/۱۶۸	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
۳۱۰	۰/۰۰۰	۰/۳۴۱	جهت‌گیری قومی
۳۱۰	۰/۰۰۰	۰/۲۳۵	ارتباطات خانوادگی

همچنین، توزیع درصدی فرهنگ سیاسی بر حسب جنسیت نشان می‌دهد که توزیع فرهنگ سیاسی در میان زنان و مردان تفاوت چندانی ندارند و میانگین دو گروه زن و مرد تفاوت معناداری با یکدیگر نداشته و این دو گروه در میانگین فرهنگ سیاسی با هم مشابه هستند.

جدول شماره ۴: تفاوت میانگین فرهنگ سیاسی بر حسب جنسیت

فرهنگ سیاسی و جنسیت	میانگین مردان	میانگین زنان	اختلاف میانگین	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری
						۰/۲۷۵
	۱۱۲/۶۳	۱۱۲/۴۷	-۱/۷۱۹	-۱/۰۷۹	۳۶۷	۰/۲۷۵

همچنین، نتایج مطالعه برای ارتباط میان دو متغیر اصلی مطالعه یعنی فرهنگ سیاسی و مشارکت مردم و پلیس نشان می‌دهد که هرچه فرهنگ سیاسی در راستای گونه فرهنگ

سیاسی مشارکتی (مدنی) حرکت کرده است، مشارکت دانشجویان در امور پلیسی افزایش یافته است

جدول شماره ۵: رابطه فرهنگ سیاسی با مشارکت در امور پلیس توسط دانشجویان

مشارکت در امور پلیسی			متغیر
تعداد	معناداری	شدت	
۳۱۰	۰/۰۰۰	۰/۳۴۷	فرهنگ سیاسی

در نتایج حاصل از رگرسیون، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها با ۰/۳۴۷ درصد نشان می‌دهد بین متغیر فرهنگ سیاسی و متغیر وابسته (مشارکت در امور پلیسی) همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. با توجه به مقدار ضریب تعدیل شده ۲۸/۳ درصد از کل تغییرات میزان مشارکت در امور پلیسی توسط فرهنگ سیاسی دانشجویان در این تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، متغیر مستقل، حدود یک چهارم از واریانس متغیر مشارکت در موضوعات پلیس را پیش بینی (برآورد) می‌کنند.

جدول شماره ۶: میزان تبیین متغیرها

انحراف استاندارد	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
۷/۶۴۲	۰/۲۸۳	۰/۳۲۳	۰/۳۴۷

تحلیل رگرسیون چند متغیره برای فرهنگ سیاسی: در نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها با ۰/۴۸۶ درصد نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (فرهنگ سیاسی) تحقیق همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. با توجه به مقدار ضریب تعدیل شده ۳۲/۵ درصد از کل تغییرات میزان فرهنگ سیاسی در بین دانشجویان وابسته به ۵ متغیر مستقل مطالعه شده در این پژوهش است. به عبارت دیگر، مجموعه متغیرهای مستقل، حدود یک سوم از واریانس متغیر فرهنگ سیاسی را پیش بینی (برآورد) می‌کنند.

جدول شماره ۷: میزان تبیین متغیرها

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف استاندارد
۰/۵۲۳	۰/۴۸۶	۰/۳۲۵	۱۰/۷۲۴

جدول شماره ۸: مدل رگرسیون تأثیر سطح متغیر مستقل بر متغیر وابسته

متغیر	مقدار بتا	خطای استاندارد	مقدار بتا	مقدار تی	سطح معناداری
ارتباطات خانوادگی	۰/۳۶۷	۰/۱۸۳	۰/۱۶۳	۳/۵۷۰	۰/۰۰۰
جهت‌گیری‌های قومی	-۰/۳۲۴	۰/۱۴۶	۰/۳۰۲	-۶/۴۹۳	۰/۰۰۰
جهت‌گیری مذهبی	-۰/۲۲۱	۰/۰۷۰	۰/۲۰۱	-۰/۶۹۱	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۰/۲۴۶	۰/۱۷۳	۰/۲۲۳	۰/۰۷۷	۰/۰۰۰
سن	۰/۱۵۳	۰/۰۵۱	۰/۱۰۸	۸/۶۴۲	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش براساس نظریه‌های مرتبط با فرهنگ سیاسی دانشجویان، فرضیه‌هایی مطرح و مورد آزمون قرار گرفت. به عبارتی، فرهنگ سیاسی از منظر پنج متغیر مهم و جدید مورد بررسی قرار گرفت و آزمون شد. بدون شک یکی از بزرگترین معضله‌های جامعه ما، بحث فرهنگ سیاسی و نحوه نگرش بدان است. شناسایی علل یا علت اصلی گسترش نیافتن فرهنگ سیاسی در این زمینه بسیار مهم است. یافته‌های توصیفی حاکی از آن بود که فرهنگ سیاسی غالب دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز سنندج، فرهنگ سیاسی تبعی است. طبق نتایج حاصل شده، وجود رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگ سیاسی تأیید می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های تسلر و آلتینگلو سازگار است؛ زیرا آنان در یک پژوهش پیمایشی در ترکیه مشاهده کردند که جهت‌گیری‌های سیاسی شهروندان ترکیه متأثر از پایگاه اقتصادی-اجتماعی آنان است (تسلر و آلتینگلو، ۱۹۹۷: ۲۲-۵۱). همچنین به نظر پاتنام، اینگلهارت و ولزل، افراد دارای منزلت اقتصادی-اجتماعی بالا و متوسط، جهت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک‌تر و فعال‌تری دارند (پاتنام، ۱۳۷۹: ۵۸؛ اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۹۱).

در دستگاه مفهومی آلموند و وربا، متغیرهای جهت گیری قومی، جامعه پذیری سیاسی و تحصیلات در تبیین فرهنگ سیاسی افراد عامل کلیدی محسوب می شوند. در این پژوهش هم مشاهده شد که رابطه بین جهت گیری قومی دانشجویان و فرهنگ سیاسی آنان در سطح معنادار و قابل قبولی، مورد تأیید قرار گرفت. از لحاظ نظری می توان نتیجه گرفت که این گزاره نظری همچنان که برای برخی از جوامع غربی از اعتبار تجربی برخوردار است در مورد میدان مورد مطالعه نیز دارای اعتبار است. آلموند و پاول مذهب و نهادهای مذهبی را از متعین های تاثیر گذار بر گوناگونی فرهنگ سیاسی می دانند. آنها معتقدند که مذهب چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم دنیای سیاست را تحت شعاع قرار می دهند. (آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۲۵). همچنین تسلر، نشان می دهد که جهت گیری های مذهبی رابطه مستقیمی با جهت گیری های فرهنگ سیاسی دارند و پیوند تاریخی نیرومندی بین مذهب و سیاست در جهان اسلام وجود دارد که بازتاب سرشت اسلام به مثابه مذهبی حقوقی است (تسلر، ۲۰۰۲: ۲۲۹-۲۴۹). تأیید رابطه جهت گیری های مذهبی با فرهنگ سیاسی دانشجویان، مؤید نظریه تسلر است.

پژوهش های صورت گرفته درباره نگرش های سیاسی، بر نقش خانواده به عنوان یکی از مهم ترین منابع موثر بر شناخت نگرش های سیاسی تاکید دارند. به باور آلموند و وربا، بین دموکراسی در خانواده و رفتار دموکراتیک در امور سیاسی - اجتماعی، رابطه وجود دارد. آنهایی که فرصت مشارکت در خانواده را بدست آورده اند، در مقایسه با دیگران، بیشتر احساس توانمندی و شایستگی سیاسی می کنند (شارع پور، ۱۳۸۳: ۳۱۷-۳۱۸). در این پژوهش هم مشاهده شد که رابطه بین ارتباطات خانوادگی دانشجویان و فرهنگ سیاسی آنان مورد تأیید قرار گرفت. از لحاظ نظری می توان نتیجه گرفت که این گزاره نظری همچنان که برای برخی از جوامع غربی از اعتبار تجربی برخوردار است در مورد میدان مورد مطالعه نیز دارای اعتبار است. توزیع درصدی فرهنگ سیاسی بر حسب جنسیت نشان می دهد این دو گروه در میانگین فرهنگ سیاسی با هم مشابه هستند. این نتیجه با نظریات و پژوهش های تسلر و آلتینگلو ناسازگار است. بر مبنای نتایج مطالعه آنها، جهت گیری های سیاسی شهروندان متأثر از

جنسیت است و مردان بیشتر حامی تساهل و کم‌تر سنت‌گرا هستند و به مسائل سیاسی توجه بیشتری دارند (تسلر و آلتینگلو، ۱۹۹۷: ۲۳)؛ در این پژوهش همچنین نتایج حاکی از آن بود که سطح مشارکت با پلیس در حد متوسط قرار دارد و علاوه بر آن نمره دانشجویان در فرهنگ سیاسی هر چه به فرهنگ سیاسی مدنی یا مشارکتی نزدیک باشد، مشارکت در امور و موضوعات پلیسی نیز افزایش داشته است.

فهرست منابع

- احمدی، یعقوب (۱۳۹۰). رویکردهای قومی و گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی، مطالعه موردی شهر سندرچ، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۴(۴)، ۲۲۹-۲۵۶.
- احمدی، یعقوب و ربانی، رسول (۱۳۸۴). جهانی‌شدن و آینده فرهنگ‌های بومی، مجله جامعه‌شناسی، مرداد و شهریور، شماره ۲۱۵ و ۲۱۶، صص: ۳۶-۵۱.
- احمدی، یعقوب و قاسمی، وحید (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی دموکراتیک در جوامع چند قومی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۱، شماره ۳، صص: ۱۱۸-۱۴۵.
- احمدی، یعقوب؛ ربانی، رسول و نمکی، آزاد (۱۳۹۱). شاخص‌های توسعه انسانی و فرهنگ سیاسی دموکرات، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۱۷)، صص: ۳-۳۲.
- آلموند، گابریل، بینگهام پاول، و جی. مونت (۱۳۷۷) چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- بی، ارل (۱۳۹۰). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی. (ترجمه رضا فاضل). جلد اول و دوم. تهران: سمت.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶). ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم در دوره پهلوی، نقد و نظر. تابستان و پاییز، شماره ۷ و ۸، صص: ۷۴-۸۵.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.

- پای، لوسین (۱۳۷۰). فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، ترجمه مجید محمدی، مجله نامه فرهنگ، شماره ۵۶، صص: ۳۷-۴۷.
- پورافکار، نصراله؛ حکیمی‌نیا، بهزاد؛ حیدری، آرش و فروتنکیا، شهرزاد (۱۳۹۱). تاثیر پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی بر اقتدارگرایی. مجله جامعه‌شناسی کاربردی. ۲۵(۴)، صص: ۶۷-۷۴.
- ترکانی، مجتبی (۱۳۸۸). بررسی و سنجش مدارای اجتماعی در لرستان، مجله جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)، سال اول تابستان ۱۳۸۸ شماره ۳، صص: ۱۳۳-۱۵۷.
- دال سیونگ یو (۱۳۷۷). فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی مطالعه تطبیقی کره و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تابستان ۷۷، شماره ۴۰، صص: ۱-۲۰۱.
- دواس، دیوید (۱۳۸۷). طرح تحقیق در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران، نشر آگاه.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۵). مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران، مجله سیاسی، اقتصادی، آذر و دی ۷۷، شماره ۱۳۵ و ۱۳۶، صص: ۳۴-۴۳.
- سلطان‌الکتابی محمود؛ وحیدا، فریدون و قاسمی، وحید (۱۳۸۰). گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، پاییز و زمستان ۸۰، دوره ۳، شماره ۲۶-۲۷، صص: ۷۷-۱۰۸.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: سمت.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.

- گلچین، مسعود؛ حق‌خواه، مژگان و سیدی، فرشته (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی دموکراتیک و عوامل مرتبط با آن. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۱، صص: ۱۸۸-۲۳۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ نوزدهم. تهران: نی.
- معمارزاده، غلامرضا و پاک‌طینت، اقبال (۱۳۸۵). عوامل موثر بر توسعه سیاسی. مجله کنترولر، سال چهل و یکم، دوره دوم، شماره ۲۱، صص: ۱-۲۵.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی در ایران. تهران: انتشارات فرهنگ صبا.
- Alan, Swingewood (1998). Cultural Theory and the Problem of Modernity, MacMilan.
- Almond, G and Verba, S (1963). The civic culture political attitudes and democracy in five countries Boston, little Brown and company.
- G.A Almond and Sjolney Verba (1963). The Civic Culture. Political Attitudes and Democracy in Five nations. Princeton University Press.
- G. Bingham Powell, Gabriel Almond (1992). Comparative Politics, a Theoretical Framework. Robert Sigel. Assumption about the Learning of Political Values: The Annual of the American of Political and Social Science. vol.36 (Sept.1965) P.1.
- Tessler, M and GAO. E (2009). Democracy and the political culture orientations of ordinary citizens: a typology for the Arab world and beyond: Published by Blackwell Publishing Ltd.
- Tessler, M. (2011). What Do Ordinary Citizens in the Arabs World Want: Secular Democracy or Democracy with Islam? University of Michigan.
- TESSLER, M. and ALTINOGLU, E. (1997). Political Culture in Turkey: Connections among Attitudes Toward. Democracy, the Military and Islam, democratization.
- Tessler, Marc and GAO, Eleanor (2005). Democracy and political culture orientations of ommons: Typology of the Arab world and beyond.
- Verba, Sidney (1965). Comparative Political Culture. Political culture and political development, Lucian W. pye and S.verba (Eds), Princeton, New Jersey, rinceton.
- Pye. L.W. (1968). Political culture. International Encyclopedia of the Social Sciences, vol. 12, ed. David L. Sills. New York: Macmillan and Free Press, 218-225.